



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره طه
مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکه

عنوان و نام پدیدآور : مشروطه از آغاز تا سرانجام : خلاصه پنج جلد کتاب در مشروطه چه گذشت؟ / موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
 مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۲۳۴ص: مصور.
 شابک : ۳۰۰۰۰۰ ریال 978-964-495-324-8
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : کتاب حاضر خلاصه کتاب پنج جلدی "در مشروطه چه گذشت؟" است.
 موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق.
 شناسه افزوده : موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
 رده بندی کنگره : DSR ۱۴۰۷/۵۴۰۱۷ ۱۳۹۱
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۷۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۰۳۷۸۸

مشروطه از آغاز تا سرانجام

تدوین و تالیف : مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳ / شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

طراح جلد: یار احمدی / حروفچینی: ظریفیان

لیتوگرافی: سحر / چاپ: عصر انتظار / صحافی: صداقت

قیمت شمیز: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۸-۳۲۴-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است.

دفتر توزیع و پخش: خیابان پاستور - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه خاقانی پلاک ۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱ نمابر: ۶۶۹۷۰۲۰۵



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

تلفن تماس نمایندگی های موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

آباده ۰۳۱-۳۳۴۷۱۰۰ / راک ۰۸۶۱-۲۲۲۸۵۹۳ / اردبیل ۰۴۵۱-۲۲۵۳۸۰۰ / اصفهان ۰۳۱۱-۲۲۰۵۴۸۵ / اصفهان ۰۳۱۱-۲۲۶۲۹۹۷
 آمل ۰۲۱-۲۱۹۸۹۰۸ / الشتر ۰۶۶۲-۵۲۲۱۶۰۷ / بابل ۰۱۱۱-۲۲۰۷۷۴۲ / بهشهر ۰۱۵۲-۵۲۲۷۵۳۷ / بوشهر ۰۷۷۱-۲۲۵۴۳۵۴۶
 تهران ۰۲۱-۶۶۴۰۷۱۳۳ / تهران ۰۲۱-۸۸۹۲۱۹۸۰ / تهران ۰۲۱-۶۶۴۰۳۴۷۹ / تهران ۰۲۱-۸۸۱۲۹۵۲۳ / تهران ۰۲۱-۵۵۳۸۰۸۷۴
 تبریز ۰۴۱۱-۴۴۰۶۸۸۹ / جهرم ۰۷۹۱-۲۲۷۵۸۳۵ / شوش ۰۶۴۲-۵۲۱۳۲۲۸ / شیراز ۰۷۱۱-۸۲۰۶۹۷۰ / شیراز ۰۷۱۱-۲۲۵۹۰۲۳
 شیراز ۰۷۱۱-۶۲۶۴۷۴۳ / شیراز ۰۶۲۷۲۶۶۲ / کرج ۰۲۶-۳۴۲۰۸۱۴۸ / مشهد ۰۵۱۱-۲۲۳۶۵۷۸ / مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۵۲۹۴
 قم ۰۲۵۱-۷۷۴۲۱۵۵ / قم ۰۲۵۱-۷۷۲۰۷۳۵ / قم ۰۲۵۱-۷۸۳۹۴۰۲ / یاسوج ۰۷۴۱-۲۲۳۶۴۰۹ / یزد ۰۳۵۱-۶۲۶۷۷۱۲

نشانی پایگاه اینترنتی: www.ghadr110.ir نشانی پست الکترونیکی: info@ghadr110.ir





فهرست

مقدمه.....	۱۵
بخش اول: وقایع و حوادث زمینه‌ساز مشروطیت	۲۱
فصل اول: جنگهای ایران و روس	۲۳
جنگ اول و قرارداد گلستان	۲۳
جنگ دوم ایران و روس و قرارداد ترکمانچای	۲۶
نگاهی به اهداف انگلستان و روسیه در این دو جنگ	۳۰
نگاهی به نقش منورالفکران در مذاکرات به اصطلاح صلح!	۳۷
نگاهی به نقش علما و روحانیون در جنگهای ایران و روس	۴۵
قراردادهای مؤثر در وضعیت ایران در دوره جنگهای ایران و روس	۵۳
۱- قرارداد ۱۲۱۵ هـ. ق بین ایران و انگلیس	۵۳
۲- قرارداد فین کن اشتاین Finkenstein	۵۳
۳- پیمان تیلسیت Tilsit	۵۴
۴- قرارداد مجدد ایران و انگلیس «مجمل»	۵۴
۵- قرارداد مفصل بین ایران و انگلیس	۵۴
فصل دوم: واقعه قتل الکساندر سرگیویچ گریبایدوف	۵۵
فصل سوم: امتیاز رویتر معروف به قرارداد راه آهن	۶۰
فصل چهارم: امتیاز لاتاری!	۷۲
فصل پنجم: قرارداد تنباکو و تحریم آن	۷۵
نقش و اهداف دولت انگلیس در قرارداد	۸۷
ساخت قلعه‌ها و قاچاق اسلحه	۹۲

فصل ششم: تشکیل فرقه‌های شیخیه، بابیه و بهائیه	۹۸
نگاهی به نقش بیگانگان در تشکیل فرقه‌های شبه دینی	۱۰۱
گرویدن یهودیان به بابیت و بهائیت!	۱۰۶
گرویدن زرتشتیان به بهائیت	۱۰۹
گسیل شرق‌شناسان به ایران	۱۱۰
نگاهی به عملکرد علما و روحانیون در برابر فتنه‌های شبه دینی	۱۱۳
عملکرد علما در برابر هیأت‌های تبشیری و مستشرقین	۱۱۹
فصل هفتم: تشکیل فراموشخانه و فراماسونری	۱۲۵
فصل هشتم: تأسیس انجمن معارف، کتابخانه ملی، مدارس جدید	۱۳۲
۱- ایجاد مدارس جدید	۱۳۴
۲- تشکیل انجمن معارف	۱۴۵
۳- اعزام محصل به خارج کشور و نتایج آن	۱۴۸
۴- تشکیل کتابخانه ملی	۱۵۲
۵- تغییر در وضعیت زنان	۱۵۵
نگاهی به عملکرد روحانیون در برابر فعالیتهای فرهنگی و آموزشی منورالفکران	۱۵۷
فصل نهم: سفرهای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به غرب	۱۶۷
اولین مسافرت ناصرالدین شاه	۱۶۸
دومین مسافرت ناصرالدین شاه در اواخر ربیع‌الاول ۱۲۹۵ (۱۸۷۸ میلادی)	۱۶۹
سومین سفر ناصرالدین شاه ۱۱ شعبان ۱۳۰۶	۱۷۰
سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگ	۱۷۰
دومین سفر مظفرالدین شاه به اروپا	۱۷۱
سومین مسافرت مظفرالدین شاه به غرب	۱۷۲
فصل دهم: قتل ناصرالدین شاه	۱۷۳
نگاهی به نقش منورالفکران در ترور ناصرالدین شاه	۱۷۷
حضور اغلب منورالفکران در شب ترور ناصرالدین شاه	۱۸۱
فصل یازدهم: تشکیل انجمن ملی یا هسته نهضت مشروطیت	۱۸۷
فصل دوازدهم: گرفتاری و دستگیری جمعی از طلاب	۱۹۰



۱۹۳	فصل سیزدهم: پوشیدن لباس روحانیت توسط مسیو نوز بلژیکی
۱۹۶	فصل چهاردهم: فلک کردن مجتهد کرمان
۲۰۳	فصل پانزدهم: تیراندازی در حرم مطهر رضوی در مشهد
۲۰۵	فصل شانزدهم: ماجرای مدرسه چال و عمارت بانک روس
۲۱۱	فصل هفدهم: فلک شدن تجار قند
۲۱۶	فصل هجدهم: مهاجرت صغری و بست نشینی در حرم عبدالعظیم <small>علیه السلام</small>
۲۲۲	نمایندگان متحصنین در تهران
۲۲۳	بازگشت متحصنین به تهران
۲۲۵	بخش دوم: حوادث و وقایع منتهی به صدور فرمان مشروطه
۲۲۷	فصل اول: وقایع قبل از هجرت کبری
۲۲۷	تیراندازی و کشته شدن سید عبدالحمید
۲۲۸	اجتماع علما در مسجد جامع
۲۲۹	شدت عمل و سختگیری با علما
۲۳۰	اجبار علما به ترک تهران
۲۳۲	فصل دوم: واقعه هجرت کبرای علما به قم
۲۳۳	نامه سید عبدالله بهبهانی به سفیر انگلیس
۲۳۶	تأمین مخارج مهاجرت
۲۳۷	پیوستن شیخ فضل الله نوری به مهاجرین
۲۴۰	فصل سوم: واقعه تحصن در سفارتخانه انگلیس در تهران
۲۴۰	چگونگی شروع پناهندگی
۲۴۶	وضعیت متحصنین
۲۵۰	خواسته‌های متحصنین
۲۶۱	عزل عین الدوله و انتصاب مشیرالدوله
۲۶۳	تکلیف متحصنین به مهاجرین!
۲۶۷	فصل چهارم: دستخط شاه و تغییرات در آن!
۲۷۲	مجلس شورای اسلامی یا ملی!

۲۷۴	فصل پنجم: مذاکرات بازگشت مهاجرین و پایان تحضن
۲۷۷	باز شدن بازار و جشن چراغانی
۲۷۸	بازگشت مهاجرین از قم
۲۷۹	استقبال از مهاجرین
۲۸۲	فصل ششم: نگاهی به جهتگیری منورالفکران و انجمنها در وقایع مشروطه
۲۸۳	لژ بیداری ایران
۲۸۷	انجمن سزی باغ سلیمان خان میکده (انجمن ملی)
۲۹۳	انجمن مخفی اول
۲۹۴	انجمن مخفی دوم
۲۹۸	کمیته انقلاب
۳۰۰	اقلیتهای مذهبی
۳۰۱	انجمن آذربایجان
۳۰۲	انجمن اخوت
۳۰۴	انجمن مظفری
۳۰۴	انجمن بین الطلوعین
۳۰۵	انجمن شاهآباد
۳۰۶	فصل هفتم: نگاهی به نقش دولت انگلیس در بست نشینی و تغییر مطالبات مردم
۳۱۰	۱- پذیرش هرچه بیشتر مردم بویژه طلاب و روحانیون در سفارت
۳۱۷	۲- فشار به دولت ایران برای پذیرش خواسته‌های متحصنین
۳۲۲	۳- القاء خواست مشروطیت و مجلس شورای ملی به متحصنین
۳۲۸	۴- نقش سیم تلگراف انگلیس در اختلاف افکنی
۳۳۲	فصل هشتم: نگاهی به نقش برجسته‌ی علما در نهضت مشروطه و مطالبات آنان
۳۳۶	دو جریان متضرب از نقش فعال علما
۳۳۸	تفاوت نقش علما در واقعه بست نشینی و مهاجرت کبری
۳۴۱	مذاکره علما باهم
۳۴۴	علت رویکرد علما به مشروطیت
۳۴۵	تلاش شیخ فضل الله نوری برای جلوگیری
۳۴۵	از ایجاد و تشدید اختلاف میان علما



۳۴۷	خوش‌بینی و اعتماد بیش از حد علمای مشروطه‌خواه به روشنفکران.....
۳۵۲	برداشت‌های ناهمگون و ناهمسان از تحولات سیاسی و نظام مشروطه.....
۳۵۷	بخش سوم: وقایع دوره مشروطه اول.....
۳۵۹	فصل اول: نظامنامه انتخابات و تشکیل مجلس شورا.....
۳۷۸	فصل دوم: تدوین قانون اساسی.....
۳۹۰	تدوین‌گران قانون اساسی.....
۳۹۵	فصل سوم: تدوین متمم قانون اساسی.....
۴۱۰	فصل چهارم: بست‌نشینی شیخ فضل‌الله نوری در حرم عبدالعظیم.....
۴۲۴	بیرون کردن حاجی میرزا حسن مجتهد از تبریز.....
۴۲۹	فصل پنجم: قتل اتابک.....
۴۳۲	فصل ششم: گردهمایی میدان توپخانه، تحصن در مدرسه مروی، صدور فتوای حرمت مشروطه.....
۴۳۳	نحوه حضور شیخ فضل‌الله در گردهمایی میدان توپخانه (۹ ذی‌القعدة ۱۳۲۵ هـ. ق).....
۴۳۵	تحصن در مدرسه مروی.....
۴۳۷	فتوای حرمت شرعی مشروطیت (ذیحجه ۱۳۲۵، دی ۱۲۸۶).....
۴۴۱	فصل هفتم: قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس.....
۴۴۴	فصل هشتم: رفتار محمدعلی شاه و برخورد مشروطه‌طلبان با او.....
۴۵۱	توهین مطبوعات به محمدعلی شاه.....
۴۵۶	پرتاب نارنجک به سوی محمدعلی شاه.....
۴۵۹	تغییر فضای مسالمت به وضعیت مخاصمه و درگیری.....
۴۶۲	فصل نهم: تندروی انجمنها و استعفای احتشام‌السلطنه.....
۴۶۷	فصل دهم: مقابله محمدعلی شاه با تندروان و تعطیلی مجلس شورا.....
۴۷۰	گلوله باران مجلس و تعطیلی آن.....
۴۷۳	فصل یازدهم: نگاهی به اقدامات دولت انگلیس در وقایع این دوره.....
۴۷۴	۱- تهدید محمدعلی شاه به خلع از سلطنت.....

۴۷۶	۲- تهدید محمدعلی شاه به اشغال بوشهر!!
۴۷۹	۳- مداخله در مباحث قانون اساسی و متمم آن
۴۸۱	۴- جو سازی علیه روحانیت بویژه شیخ فضل الله نوری
۴۸۵	فصل دوازدهم: نگاهی به عملکرد و رویکرد علما و روحانیت در وقایع این دوره
۴۸۵	۱- تصویب قانون اساسی و متمم آن
	۱/۱- نظارت بر مباحث متمم قانون اساسی و تلاش در اصلاح و مطابقت آن با شرع مقدس
۴۸۵	۱/۲- ارائه اصل نظارت ابدیه علما بر مصوبات مجلس شورای ملی
۴۸۹	۲- ترویج گفتمان مشروطیت و روشن کردن محتوای این اصطلاح
۴۹۱	۳- افشای گروههای منحرف پشتیبان مشروطیت
۴۹۴	۴- مقابله با آزادیهای مخرب و اهانت به مقدّسات
۴۹۶	۵- حفظ استقلال کشور و مبارزه با سلطه بیگانگان
۴۹۹	۶- بسیج مردم در حفظ نهضت
۵۰۱	۷- همگامی و ارتباط علما با یکدیگر
۵۰۲	
۵۰۷	بخش چهارم: وقایع دوره استقرار استبداد صغیر تا فتح تهران
۵۰۹	فصل اول: تعطیلی مجلس و پناهنده شدن منوّرالفکران به سفارتخانه های خارجی
۵۲۰	شرایط حقارت بار انگلیس برای محمدعلی شاه
۵۲۱	فصل دوم: فرمان برقراری مجدد مشروطه و شورای کبرای دولتی
۵۲۱	تلگراف محمدعلی شاه به علمای نجف
۵۲۴	تلگراف علمای نجف برای برقراری مجدد مجلس
۵۲۸	مخالفت علمای مشروعه خواه با فرمان مجدد مشروطه
۵۳۵	مخالفت دولتهای بیگانه و مشروطه طلبان با مجلس شورای کبرای دولتی
۵۳۷	فصل سوم: ترور نافرجام شیخ فضل الله نوری
۵۴۶	فصل چهارم: کابینه های دوران تعطیلی مشروطه
۵۴۹	فصل پنجم: اقدامات منوّرالفکران پناهنده به خارج
۵۴۹	انجمن سعادت
۵۵۰	انجمنهای قفقاز



۵۵۳	انجمن فرانکو پرسیان
۵۵۴	کمیته ایران در لندن
۵۶۲	انجمن نژادی لندن
۵۶۳	تأسیس کمیته ستار در رشت
۵۶۵	فصل ششم: جنگهای تبریز
۵۷۴	فصل هفتم: ورود نیروهای روس به آذربایجان، انگلیس به جنوب
۵۸۰	فصل هشتم: حرکت مجاهدین و فتح تهران
۵۸۰	مشروطه طلبان در گیلان
۵۸۲	مشروطه طلبان در اصفهان
۵۸۳	مشروطه طلبان در فارس
۵۸۵	فتح قزوین و کرج توسط سپاه گیلان
۵۸۷	ورود قوای بختیاری به قم
۵۸۸	عملیات روانی نیروهای گیلان و اصفهان
۵۸۹	جنگ در علیشاه عوض، بادامک و فتح تهران
۵۹۲	پناهندگی محمدعلی شاه به سفارت روس و سلطنت احمد شاه
۵۹۷	حضور خانها و خانواده‌های اشرافی فراماسون در رهبری باصلاح مجاهدان!
۶۰۶	فصل نهم: دستگیری و محاکمه شیخ فضل الله نوری
۶۱۸	اعدام و شهادت شیخ فضل الله نوری
۶۲۱	پس از اعدام
۶۲۵	فصل دهم: نگاهی به نقش و دخالت انگلیس در حوادث دوره استبداد صغیر و فتح تهران
۶۲۵	۱- عدم اقدام انگلیس در جلوگیری از بمباران مجلس
۶۳۳	۲- دو شرط موافقت انگلیس با بمباران و تعطیل مجلس شورای ملی!!
۶۳۶	۳- فشار انگلیس برای افتتاح مجدد مجلس شورا
۶۳۸	۴- نقش انگلیس در ترور نافرجام شیخ و اعدام او پس از فتح تهران
۶۴۱	۵- اصرار دولت انگلیس در تغییرات و انتصاب افراد مورد نظر خود
۶۴۴	۶- تجمع دادن به اقوام مختلف علیه دولت ایران
۶۴۶	۷- تحریک روسها به دخالت و تهاجم به ایران



فصل یازدهم: نگاهی به نقش و عملکرد علما و روحانیت در دوره استبداد صغیر	۶۵۵
اقدامات آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری	۶۵۷
اقدامات مراجع نجف	۶۷۱
بخش پنجم: از فتح تهران تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹	
فصل اول: فتح تهران و انتصابات	۶۸۵
ورود احمدشاه به تهران	۶۸۵
انتصابات	۶۸۷
اعدامها	۶۸۷
نارضایتی‌ها از انتصابات و اعمال مشروطه‌چیان	۶۸۸
نامه‌های ستارخان و باقرخان در خصوص اوضاع کشور	۶۹۹
فصل دوم: انتخابات و افتتاح مجلس دوم	
فصل سوم: انتخاب پنج تن از مجتهدین	۷۰۶
برای نظارت بر قوانین مصوب مجلس	۷۰۶
نگرانی آیات عظام نجف از رسوخ منحرفین و روند مشروطیت	۷۱۰
فصل چهارم: ورود ستارخان و باقرخان به تهران	
فصل پنجم: ورود سید عبدالله بهبهانی به تهران	۷۲۰
فصل ششم: تشکیل دو جناح اعتدالی و دمکرات و خط‌مشی آنان	۷۲۶
حزب اعتدالی	۷۴۳
فصل هفتم: فساد مسلک سیاسی تقی‌زاده	
فصل هشتم: ترور و شهادت آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی	۷۶۰
فصل نهم: تصویب خلع سلاح مجاهدین توسط مجلس و فاجعه پارک اتابک	۷۷۲
فصل دهم: ورود محمدعلی شاه به ایران و جنگ‌هایی که درگرفت	۷۸۶
فصل یازدهم: اولتیماتوم دولت انگلیس به ایران	۷۹۱
فصل یازدهم: استخدام مستشاران مالی آمریکایی و اولتیماتوم دولت روس	۷۹۷
اولتیماتوم دولت روس	۸۰۱
جنايات روسها در ایران	۸۰۶
دستگیری و اعدام ثقة‌الاسلام	۸۱۱



۸۱۸	گلوله باران حرم رضوی.....
۸۲۰	فصل دوازدهم: قرارداد ۱۹۱۹ میلادی.....
۸۲۷	فصل سیزدهم: قیامهای قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹.....
۸۲۷	۱- قیام جنگل.....
۸۳۴	۲- قیام تنگستانیها.....
۸۳۹	۳- قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز.....
۸۴۳	فصل چهاردهم: وضعیت مجلس شورای ملی و دولت در این دوره.....
۸۴۶	تغییرات مکرر رئیس الوزراء و وزراء.....
۸۴۸	آخرین کابینه قبل از کودتا.....
۸۵۲	فصل پانزدهم: کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹.....
۸۶۰	همکاری منورالفکران در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹.....
۸۷۰	فصل شانزدهم: دخالت بهاییها و زرتشتیها در حوادث این دوره.....
۱۲۹۹	فصل هفدهم: نگاهی به نقش دولت انگلیس در وقایع بعد از فتح تهران و کودتای ۱۲۹۹.....
۸۷۷	شمسی.....
۸۷۸	۱- فشار به مجلس و دولت ایران برای اعمال سیاستهای مالی مورد نظر دولت انگلیس.....
۸۸۳	۲- فاجعه پارک اتابک و نقش انگلیس در آن.....
۸۸۷	۳- دخالت در تعیین نخستوزیران، وزراء و حکام ولایات.....
۸۹۱	۴- موافقت با اولتیماتوم روسیه و تشدید فشارها جهت پذیرش شرایط خفت بار روسها.....
۸۹۶	۵- تشکیل پلیس جنوب و دخالت نظامی در ایران.....
۹۰۱	۶- اقدام علیه نهضت جنگل.....
۹۰۶	۷- نقش انگلیس در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی.....
۹۰۷	جسارت نورمن به احمدشاه.....
۹۰۸	اعترافات کنسول انگلیس در مشهد.....
۹۱۴	ستاد فرماندهی انگلیس.....
۹۱۴	یادداشتهای آبرون ساید.....
۹۱۵	گفتگو با «رضاخان».....
۹۱۵	گزارش نورمن و توصیه او به احمدشاه!.....

فصل هجدهم: نقش مراجع و علما در وقایع بعد از فتح تهران تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ .. ۹۱۸	
۱- جلوگیری از نفوذ منحرفین در مشروطه .. ۹۱۹	
۲- تلاش برای حفظ استقلال و عزت ایران .. ۹۲۴	
۳- مخالفت با نقض حاکمیت و استقلال ایران .. ۹۳۹	
۴- تشکیل هیأت علمیه و تقویت روحانیت .. ۹۴۱	
انجمن مقدّس ملی اصفهان .. ۹۴۸	
پیوستها .. ۹۵۱	
پیوست شماره یک: رساله حرمت مشروطه، یا پاسخ به سؤال از علت موافقت اولیه با مشروطیت و مخالفت ثانویه با آن .. ۹۵۳	
پیوست شماره دو: [پاسخ به نامه علمای نجف از سوی آیت الله آخوند رستم آبادی در مورد دلایل مخالفت با مشروطیت] .. ۹۷۲	
پیوست شماره سه: نامه حاجی میرزا ابوتراب به صاحب عروءه .. ۹۸۲	
اسناد و تصاویر .. ۹۹۱	
منابع .. ۱۰۲۳	
نمایه موضوعی .. ۱۰۳۱	
نمایه اشخاص .. ۱۰۴۹	





مقدمه

در همایش صدمین سالگرد مشروطیت^۱، رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانات مهم و راهگشایی را در خصوص جریان مشروطیت و نگارش تاریخ آن بیان فرمودند. محورهای مهم بیانات رهبری به این شرح است:

۱- نقش علما در مشروطه، قابل مقایسه با نقش دیگران مثل روشنفکران و صاحبان قدرت و منتقدان دولتی نیست. این نقش بسیار برجسته است و روی آن خیلی کار نشده و یکی از نقاطی که در نگارش تاریخ مشروطه باید روی آن تکیه بشود، این نقش برجسته است.

۲- در نقش علما بایستی روی جنبه «ضد سلطه بیگانگان» توجه شود. نادیده گرفتن آن مثل آن است که ماهیت و هویت حرکت علما نادیده گرفته شود.

۳- اساس حرکت علما بایستی روشن شود. شعار علماء «عدالتخواهی» بود و برای برپایی آن «عدالتخانه» می‌خواستند. این خواست، یک توصیه و توقع اخلاقی نبود. تحصنها، فداکاریها نشان می‌دهد که این عدالت در زمینه مسائل حکومتی و دولت بوده است. می‌خواستند دستگاهی قانونی وجود داشته باشد تا بتواند همه سلسله مراتب حکومتی را تحت کنترل و نظارت قرار دهد، تا جلوی ظلم گرفته شود.

۴- معیار عدالت درخواست علما، «قوانین اسلامی» بود نه چیز دیگر، و در آن هیچ تردیدی نیست. ۵- نقش انگلیس در انحراف حرکت عدالتخواهی به مشروطه‌طلبی و روشها و راههایی که به طور ماهرانه اجرا کردند تا این انحراف حاصل شد، بایستی بررسی شود. شرایط زمانی که انگلیس دست به این حرکت زد نیز می‌بایستی شناسایی شوند.

۶ «نقش و کارکرد روشنفکران در مشروطه» بایستی مشخص شود. روشنفکران غربزده که قدرت‌طلبی هم داشتند در تغییر حرکت عدالتخواهی به مشروطه تحت تأثیر انگلیس بودند. البته می‌خواستند در حکومت هم حضور داشته باشند.

۷- برای مشروطه و تبیین صحیح آن، نیاز به تاریخ‌نگاری مستند، قوی، روشن، کامل و جامع داریم که برای سطوح دانش‌آموزی، دانشگاهی و تحقیقی منتشر شوند.

در مناسبت‌های دیگر، نیز رهبر معظم انقلاب اسلامی راجع به نهضت عدالتخواهی و جریان مشروطیت و نقش علما، روشنفکران و بیگانگان بویژه انگلیس بیاناتی ایراد فرموده‌اند که محققان و نکته‌بینان است. حضرت امام خمینی (ره) نیز بر مسأله مشروطه و ضرورت عبرت‌آموزی از حوادث آن بارها تأکید فرموده‌اند که در این مجموعه به تناسب زمان حوادث، به برخی از آن بیانات اشاره خواهد شد.

با توجه به توصیه و تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بر نگارش تاریخ مشروطیت براساس چارچوب و تأکیدی که به آنها اشاره داشتند، این مؤسسه - در حد بضاعت و توان خود - برای تحقق این تکلیف، اقدام نمود و امیدوار است با روشی که در این مجموعه به کار گرفته است، راه برای تبیین و تدوین تاریخی جامع‌تر و کامل‌تر در خصوص «مشروطه» و تحقق کامل خواست حضرتشان، گشوده شود.

در تدوین این مجموعه، چند نکته ذیل به عنوان مبنا و اساس مورد توجه قرار گرفته‌اند:

الف: تدوین وقایع، حوادث و رخدادها با استفاده از منابع موزخانی که در حوادث مشروطه حاضر بوده‌اند صرف نظر از موضعگیریها، خوشآمدها و بدآمدهای آنان از جریانات و شخصیت‌های مشروطه، در این زمینه سعی شده است تا آنچه «قطعی» است از آنچه «شنبیده» یا «گفته» می‌شود تفکیک شود و با توجه به اسنادی که بعداً منتشر شده و در تبیین صحیح حادثه مؤثر بوده است، حوادث بدرستی بازگو شوند و در صورت لزوم به صورت پاورقی نیز توضیحاتی ارائه شود. از برخی حوادث حاشیه‌ای که اساس حرکت و وقایع مهم را تحت الشعاع قرار داده و در ذهن ایجاد انحراف یا دشواری در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌شوند، صرف نظر شده است. همچنین سعی شده است تا به صورت روزشمار یا با تعیین تاریخ شمسی و هجری واقعه، حوادث بازگو شوند.

ب: در کنار بیان وقایع، اقدام به تحلیل مستند وقایع نمودیم و تلاش گشته با توجه به اغلب منابع منتشر شده - که اسناد و سوابقی را مد نظر قرار داده و تحلیل‌های مستند و تازه‌ای ارائه کرده‌اند - وقایع مندرج را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. حسب ضرورت، نقش سه گروه یا جریان اثرگذار در حرکت مشروطه را مورد بررسی قرار داده‌ایم. این سه گروه عبارتند از منورالفکران و انجمنها، دولت‌های بیگانه و بویژه انگلیس، علما و روحانیون. برحسب رهنمود مقام معظم رهبری تلاش کرده‌ایم تا حرکت این سه گروه را براساس مستندات و شواهد، به صورت روشن ارائه و مخصوصاً حرکت علما و روحانیون را با دقتی خاص و مشخصه‌هایی که معین فرمودند، بررسی نماییم.

ج: تاریخ مشروطه مشحون از اطلاعاتیها، تلگرافها، شبنامه‌ها، مقالات و ... است. سعی شد در حد میسر که به مجموعه از لحاظ حجم و نیز برای مخاطبین از لحاظ فرصت مطالعه، آسیمی وارد نسازد، در متن کتاب به فراخور موضوع ارائه شود و در پایان کتاب نیز در بخش «پیوسته‌ها»، مدارک مهم به مخاطبین ارائه شود.

د: نمایه‌های اشخاص و موضوعی جهت بهره‌گیری بیشتر در پایان کتاب، ارائه شده است.

ه: علاوه بر استفاده از تصاویر در متن بخشهای اول و دوم، در پایان کتاب نیز از تصاویر دسترس و مناسب استفاده شده است. این تصاویر از منابع مورد استفاده در تدوین هر جلد از مجموعه - که در صفحات انتهایی این منابع ذکر شده‌اند - استفاده شده است. بخصوص از کتابها و فصلنامه‌های مربوط به «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» بیشترین استفاده تصویری شده است.

و: لازم است اشاره شود که به دلیل طولانی بودن زمان منتهی به حرکت جدی علما و مردم در نهضت عدالتخواهی و جریان مشروطیت - که نزدیک به ۱۵۰-۲۰۰ سال را دربر می‌گیرد - حوادث و وقایع مهم و قابل توجه زیادی که اثرات غیر قابل انکار در آغاز حرکت مشروطه و سرانجام آن داشته‌اند، رخ داده است و لذا از حجم زیادی برخوردار گشته است. وقایع مهم سلطنت سه پادشاه؛ فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه و قسمتی از سلطنت مظفرالدین شاه، از جمله جنگ‌های ایران و روس و دو قرارداد مهم



گلستان و ترکمانچای، جدا شدن بخشهای مهمی از جنوب و جنوب شرق ایران، قراردادهای مهم تجاری اقتصادی مانند تنباکو، راه آهن، لاتاری و مانند آنها، تشکیل انجمنهای سرّی از جمله فراموشخانه و لژ بیداری ایران، تشکیل مجامع و محافل علی الظاهر فرهنگی مانند کتابخانه ملی، تشکیل مدارس جدید ایرانی و غیر ایرانی؛ ظهور و بروز جریان منورالفکری با مؤلفه‌های خاص متأثر از فرهنگ غرب و تدوین و نشر دهها کتاب و روزنامه در انتشار دیدگاههای این جریان، همگی در شکل‌گیری، سیر و سرانجام حرکت مشروطه اثرگذار بوده‌اند و ضرورت داشت در مورد هر یک از این وقایع در حد لازم - که مخاطب با آگاهی و آشنایی کافی وقایع مشروطه را دنبال کند - توضیحات ارائه شوند.

ز: مطلب ضروری دیگر، منابع دست اول مورد استفاده در تمامی کتابهای مربوط به مشروطه است که عمدتاً توسط چهره‌های شاخص جریان منورالفکری حاضر در مشروطه نگاشته شده‌اند. این منابع دارای محاسن و معایبی هستند که برای ادراک صحیح از جریان مشروطه، بایستی به آنها توجه شود. غفلت از معایب این تواریخ و اتکاء صرف به آنها، تحقیقات و پژوهشها را آسیب‌پذیر نموده و آنچه اغلب نوشتارها مبتلا به آن شده‌اند، تکرار خواهد شد. همان مسأله‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی به آن اشاره نموده و تأکید دارند که در انقلاب اسلامی هم هنوز شیخ فضل‌الله نوری کوییده می‌شود! اتکاء مطلق به این مورخین و دیدگاههای آنان بدون نقد و شناخت نقاط ضعف و کاستیهایشان - صرف نظر از موضوع غرض‌ورزی و نگاه جریانی معاند که متأسفانه هنوز هم دامنگیر برخی مورخین و منورالفکران هست - نتیجه‌ای جز تزیین حقوق شخصیت‌های مؤثر در مشروطه و ارائه نتایج نادرست به ملت و درحقیقت محروم کردن ملت از دستیابی به تاریخ صحیح و بی‌غرضانه و استفاده از درسها و عبرتهای آن برای رسیدن به پیشرفت و کمال، نخواهد داشت.

ناظم‌الاسلام کرمانی و یحیی دولت‌آبادی از جمله کسانی هستند که خود ناظر عینی و عضو انجمنهای مخفی و باصلاح علمی آن دوران بودند. ناظم‌الاسلام مؤلف کتاب «بیداری ایرانیان» است و دولت‌آبادی مؤلف «حیات یحیی» است. این هر دو روحانی بودند، دولت‌آبادی پدرش از ازیان و خودش نیز اهل همین فرقه بود. آنان تجدّدخواه و سخت شیفته فرهنگ غربی بودند تا بدان حدّ که امثال ملک‌خان، آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی را ستوده و بیدارکننده ایرانیان می‌دانستند در حالی که این دو منورالفکر اخیر با صراحت و شدت به اسلام و احکام نورانی آن می‌تاختند و حتی تغییر الفبای اسلام را مدّتها دنبال کردند بلکه بتوانند فرهنگ اسلامی مردم را از دسترس آنان خارج و به تاریخ بسپارند! به همین جهت این دو - بخصوص ناظم‌الاسلام - سخت به شیخ فضل‌الله نوری می‌تازند و هر اتهام و ناسزایی را به صرف «شنیده‌ها» و «گفته‌ها» به او روا می‌دارند. در عین حال هر دو به علمیت و حسن سلوک و هوشیاری شیخ معترفند. او را مترجع، مستبد، دکاندار، رشوه‌ستان؛ هوسران، خواهان جاه و مقام ... می‌نامند و در مقابل منورالفکران و حتی عناصر تروریست محافل مخفی ماسونی را به عنوان آزادیخواه و مشروطه‌طلب می‌ستایند و از هر عیب و زشتی تطهیر می‌نمایند! ناظم‌الاسلام در ضمن روایت روزانه از وقایع، اغلب قضاوتهای خود را نیز همراه نموده و این قضاوتها - که بر مبنای نادرستی و غیرواقعی و گاه براساس شایعات بوده است - به سلامت و صحت اثر او لطمه زیادی زده است. جالب است که مورخین دیگری که در زمینه حرکت مشروطیت، خاطرات خود را یا خاطراتی را جمع‌آوری کرده‌اند، به کتاب ناظم‌الاسلام بیشترین استناد را نموده و نسبت به نقد و درستی یا نادرستی آن چشم بسته عمل کرده و آن را مبنای

کامل قرار داده‌اند!

محمدعلی تهرانی (کاتوزیان) و دکتر ملک‌زاده (فرزند ملک‌المکلمین) نیز در نوشته‌های تاریخی خود - که هر دو هم به نام «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» نوشته شده‌اند - خالی از حُب و بغض نسبت به جریانات و مباحث دوران مشروطه نبوده‌اند. مخصوصاً ملک‌زاده در جای جای کتاب خود مجموعه روحانیت و علما را مورد حمله سخت قرار داده است. او تنها بخش کوچکی از روحانیون که همراه تام و کامل با منورالفکران بودند را آن هم نه به عنوان روحانی - که با قشر روحانی مخالف است - بلکه به عنوان مشروطه‌خواه مورد تمجید قرار می‌دهد! ملک‌المکلمین از سوی علما به بایگیری متهم بود. او به همراه سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی و همدستی مجدالاسلام کرمانی، احمد فاتح‌الملک (پدر مصطفی فاتح، مدیر ایرانی شرکت نفت ایران و انگلیس) و میرزا اسدالله نائینی (منشی اول کنسولگری روس در اصفهان و از سران فرقه ازلی) کتاب رمان‌گونه «رؤیای صادق» را بر ضد علمای اصفهان و ضل‌السلطان (حاکم اصفهان) در سال ۱۳۱۸ هـ. ق نوشت و میرزا اسدالله نائینی آن را برای چاپ به پایتخت روس تزاری فرستاد و پس از چاپ در آن جا وارد ایران شد و توزیع گردید. در این کتاب به صراحت و بدترین شیوه و شکل علمای اسلام را مورد هتک و حرمت‌شکنی قرار داده‌اند. این مسأله را پسرش دکتر مهدی ملک‌زاده در تاریخ خود بازگو نموده است.^۱ ملک‌المکلمین عضو برجسته لژ بیداری ایران بوده^۲ و با اردشیر جی مهره فعال سازمان جاسوسی انگلیس در ایران در همین دوران مشروطه، دوستی و روابط نزدیک داشته و این دوستی توسط پسرش مهدی نیز ادامه یافته است!^۳

تاریخی که این فرد در خصوص فراز و فرودهای مشروطه می‌نویسد از چنین دیدگاهی متأثر است و لذا در عین داشتن نکات و دقایق درست و سودمند، مشحون از قضاوت‌های نادرست و اطلاعات غلط است. احمد کسروی، تاریخ‌نگار دیگری است که با کتاب معروف «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» شناخته می‌شود. کتاب «تاریخ مشروطه ایران» از لحاظ ثبت تاریخ روز و ماه و سال وقایع، کتاب مفیدی است. در این کتاب اطلاعات خوبی از جنگ‌های تبریز و حوادث آذربایجان - که کسروی خود از آن خطه بوده است - وجود دارد که نشان از پیگیری مجدانه او دارد. اما بسیاری از مندرجات این کتاب خلاف حقیقت بوده و بخصوص با نگاه و جهت‌گیری کسروی، هر جا که با قضاوت و تحلیل او همراه شده بشدت اشتباه‌آمیز و با سیاست‌بافی توأم است. کسروی نیز با خصوصیت ضد دینی و ضد روحانی به تاریخ مشروطه نگریسته است و از تهمت زدن به روحانیت کوتاهی نکرده است؛ البته بعدها خود مدعی فرقه جدیدی به نام «پاکدینی» شد و عاقبت پس از مباحث و جلسات زیاد و بی‌اعتنایی به هشدارهای شهید نواب صفوی، به دست فدائیان اسلام به هلاکت رسید.

کتاب تاریخی دیگری چون «خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران» تألیف حسن اعظام قدسی (اعظام الوزاره)، «خاطرات و خطرات» تألیف مهدیقلی خان هدایت (مخبرالسلطنه)، «روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران» یادداشت‌های حاجی میرزا سیداحمد تمجدالسلطان تفرشی حسینی به کوشش ایرج افشار،

۱- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، صص ۴۸-۵۸.

۲- فراموشخانه و فراماسونری در ایران، اسماعیل رائین، ج ۲، ص ۱۷۲.

۳- بحران مشروطیت در ایران، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.



«واقعات اتفاقیه در روزگار» تألیف محمد مهدی شریف کاشانی به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، «خاطرات من» نوشته سید حسن تقی‌زاده، منابعی هستند که هرکدام مزایایی و معایبی دارند و می‌توان نقاط مثبت و صحیح آنها را مورد بهره‌برداری قرار داد. کتاب «واقعات اتفاقیه در روزگار» از لحاظ درج اعلامیه‌ها، شبنامه‌ها، اوراق ژلاتینی، تلگرافات و مقالات طبع شده در آن دوران منبع مستند و دقیقی برای قضاوت در ماهیت و شکل وقایع است، اما خود وقایع و اتفاقات و رخدادها و عوامل اثرگذار در آنها چیزی است که بایستی بیشتر در منابع دیگر جستجو کرد.

منابع دیگری که رسائل مشروطه و همچنین مکتوبات، اعلامیه‌ها و روزنامه شیخ فضل‌الله نوری، تذکره‌الغافل و ارشادالجاهل، اسناد منتشر شده از وزارت امور خارجه و نیز وزارت انگلستان به عنوان «کتاب آبی»، در این مجموعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از مورخین دوره‌های بعد و معاصر در انقلاب اسلامی نیز که به صورت مستند و ارائه شواهد و مدارک نسبت به جریانات و حوادث مشروطه سخن گفته‌اند، به جای خود استفاده لازم شده است.

این مجموعه با همه کم و کاستیهایش، روش نوینی را در پژوهش و تبیین و تدوین تاریخ مشروطه گشوده است که امید می‌رود مورد توجه قرار گیرد و محققین و اندیشمندان متعهد و دلسوز نسبت به این انقلاب و ملت بزرگ ایران و گنجینه پُر از درس و عبرت مشروطیت، در تعاملی سازنده، قدمهایی فراتر و برتر از این مجموعه را بردارند و جوانان را نسبت به حقایق مهم این دوره سرنوشت‌ساز آشنا نموده و طرزای دشمنان و تکرار ناکامیهای آن دوره را ناممکن سازند.

جان کلام در زمینه ورود علما به مسأله عدالتخواهی و سپس در نظام مشروطه این است که علما برای تحدید قدرت شاه و دولت و بازداشتن دست آنان از ظلم و ستم به رعیت و مردم، در پی ساز و کاری بودند و عدالتخانه را برای این کار مناسب دیدند. ورود جریان منورالفکر با ایده تجددگرایی که از فرهنگ غرب و لایه‌های سطحی آن اخذ شده بود و دخالت دستهای نه چندان پنهان انگلیس سبب شد تا چالشهای جدید در مسیر تلاشهای علما و ملت به وجود آید، به طوری که برخی از مورخین از آن به عنوان «بحران مشروطیت» نام برده‌اند و دیدیم که در پایان راه، مشروطه انگلیسی به یک استبداد مطلق و تمام‌عیار اما وابسته به غرب یعنی «رژیم پهلوی» منتهی شد.

حضور عناصر لاقید، لابلالی و اباحه‌گر نسبت به مسائل و احکام شرعی و اعتقادات اسلامی، می‌بایستی علما و روحانیون را نسبت به انحراف در مبارزات به قدر کافی حساس و هوشیار می‌کرد. لکن وسوسه‌ها و نفوذ و دوره کردن عوامل این جریان، برخی علما را از توجه به کُنه مسأله و حساسیت به قدر لازم بازداشت. این شد که اختلاف بین علماء به وجود آمد و توسط عوامل محافل مخفی و آشکار به این اختلافات دامن زده شد. این شیخ فضل‌الله نوری بود که به قدر شایسته و بایسته در برابر تحزکات عوامل بیگانه و منحرف از دهریون و فرق استعمار ساخته بابی و بهایی، هوشیاری نشان داد و با تمام قدرت در برابر آنها ایستاد. اگرچه شیخ فضل‌الله در نهایت بر بالای دار رفت اما منورالفرکان و انگلیس با همین اعدام، بازی را به علما باختند و باطن فاسد و بی‌هویت خود را برملا نمودند. انقلاب اسلامی و پیروزی آن مرهون خون «شهید شیخ فضل‌الله نوری» و بیداری حاصل از آن در میان علما و حوزه‌های علمیه است.

«به نظر من، مشکل کار از این جا پیش آمد که اینها [مشخصاً انگلیسی‌ها] توانستند یک عده‌ای از اعضای جبهه عدالت خواهی - یعنی همان اعضای دینی و عمدتاً علما - را

فرب بدهند و حقیقت را برای اینها پوشیده نگه دارند و اختلاف ایجاد کنند. انسان وقتی به اظهاراتی که مرحوم آسید عبدالله بهبهانی و مرحوم سید محمد طباطبایی در مواجهه و مقابله با حرف‌های شیخ فضل‌الله و جناح ایشان داشته‌اند، نگاه می‌کند، این مسأله را درمی‌یابد که عمده حرف‌ها به همین است که این طور می‌گفته‌اند. این حرف‌ها به نجف هم منعکس می‌شده و شما نگاه می‌کنید که همین اظهارات انسان در کار مرحوم آقا نجفی قوچانی، در آن کتاب و در مذاکراتی که در نجف در جریان بوده، اینها را می‌بیند - و حرف‌هایی را که از سوی روشنفکرها و به وسیله عمال حکومت گفته می‌شد و وعده‌هایی را که داده می‌شد حمل بر صحت می‌کردند. این طور می‌گفتند که: شما دارید عجله می‌کنید؛ سوء ظن دارید؛ اینها قصد بدی ندارند؛ اینها هم هدفشان دین است! این مسائل در مکاتبات، نامه‌های صدراعظم و... به مرحوم آخوند منعکس شده است. انسان می‌بیند که حساسیت آنها را در مقابل انحراف کم کرده‌اند؛ اما حساسیت بعضی‌ها مثل مرحوم آتش‌بخ‌فضل‌الله باقی ماند؛ اینها حساس ماندند؛ اصرار کردند و در متمم، آن مسأله پنج مجتهد جامع‌الشرایط را گنجانند و مقابله کردند. یک جمع دیگری از همین جبهه، این حساسیت را از دست دادند و دچار خوش‌باوری و حسن ظن و شاید هم نوعی تغافل شدند.^۱

و این همان نقطه و نکته تاریخی و اوج دوره مشروطه است که برای امروز و فردای این ملت و روحانیت و علما، درس و عبرت است. فرب خوردن و خوش‌باوری و بی‌توجهی و غفلت از باطن جریانات و دست‌های آهنگین پنهان در دستکش‌های مخملی، مخصوص دوره مشروطه نیست. چطور در دوران قبل از مشروطه با آن همه جنگها و در برابر موج سهمگین واگذاری قراردادهای تجاری، علما یک‌دست و هوشیار ایستادند و جنبش مهمی چون قیام تنباکو را آفریدند و شاه و دربار و انگلیس را در قرارداد رویتر و لاتاری و امثال آن به عقب راندند، اما در جنبش مشروطه، با دو دستگی که به وجود آمد میدان را به منورالفکران و عوامل انگلیس سپردند؟ سالها انگلیس و منورالفکران و عوامل منحرف در محافل سری و مخفی کار کردند تا نوعی اسلام موافق با نظام غربی مشروطه را به برخی علما بقبولانند و آنها را به این باور برسانند که منورالفکران هم در پی نجات ملت و برقراری عدالت اسلامی هستند؛ نوعی پروتستان‌تیزم را در دایره اسلام برای علما و روحانیون اجرا کردند و آنها را با خوش‌باوری به خود مطمئن ساختند! اعدام شیخ فضل‌الله نوری آنان را شوکه کرد و ترور سید عبدالله بهبهانی آنان را بیدار ساخت که ای دل غافل، انگور ریختیم سرکه بگیریم، شراب شد!

اگر همین یک درس را ملت و روحانیت بخوبی از این دوره فرا بگیرند و وحدت و همدلی در عین بیداری و بصیرت و هوشیاری و تبعیت از رهبری فرزانه، حکیم و فقیه شجاع و دشمن‌شناس، را در خود تقویت کنند و پاسدار آن باشند، قطعاً رسیدن به اهداف بلند انقلاب و قلّه‌های پیشرفت و رفاه و کمال، نه تنها ممکن، که نزدیک است. ان شاء الله

مؤسسه فرهنگی هنری قدر و ولایت

۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار با شورای مرکزی و کمیته‌های علمی همایش صدمین سالگرد مشروطیت، به تاریخ ۱۳۸۵/۲/۹.

